

آسیب پذیریه‌های لجستیک در آینده

کریم کاشانیان

(عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین)

"آیا روند کنونی در ارتش‌ها فرصتهایی را برای طرفهای مقابل خلق خواهد کرد تا پشتیبانی لجستیک را مختل یا تضعیف نمایند؟ نویسنده این مقاله نظریاتی را پیرامون آسیب‌پذیریهای سیستم لجستیک و همچنین دو روش جهت برطرف نمودن آنها پیشنهاد می‌نماید." لازم به ذکر است که مقاله حاضر حاوی دیدگاههای یکی از افسران ارتش آمریکا بوده و طرح آن صرفاً به منظور شناخت نظرات و دیدگاههای گوناگون در این زمینه می‌باشد.

* * * * *

مقدمه

"فقط به خاطر یک سوزن... در جنگ شکست خوردیم." این کلمات توسط بنجامین فرانکلین که شاهد نتایج مخوف آسیب‌پذیری‌های لجستیک در جنگ بود، اذعان گردید. اما برآستی، ایالات متحده با چه آسیب‌پذیری‌هایی در آینده مواجه خواهد شد؟ برای مراکز مهم لجستیک ایالات متحده چه آسیب‌پذیری‌هایی جدی وجود خواهد داشت؟ در اینجا آسیب‌پذیری‌های بالقوه‌ای که پانزده سال بعد با آنها مواجه خواهیم شد را مورد بررسی قرار داده و راهکارهایی را جهت مقابله با آنها ارائه خواهیم کرد. در ابتدا محدوده امنی که از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ با آن مواجه خواهیم بود را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. سپس، می‌توانیم چگونگی پشتیبانی لجستیکی از نیروها را در خلال آن سالها تبیین نمائیم. بعد از آن، اثر تهدیدات دشمنان را با شناسایی آسیب‌پذیری‌های لجستیک در آینده مورد تحلیل قرار خواهیم داد. بالاخره، پیشنهادات و راه‌حلهایی را پیرامون آسیب‌پذیری‌هایی که شناسایی نموده‌ایم، ارائه خواهیم کرد.

۱- محیط امنیتی در آینده

محیط امنی که احتمالاً در سالهای آتی با آن مواجه خواهیم شد، چه خواهد بود؟ این محیط را می‌توان به طرق گوناگون شرح داد، اما در اینجا فقط به سه نکته اشاره خواهیم کرد.

۱-۱- نکته اول: سازمان احتمالی یگانها

سازمان یگانهای نظامی همواره موضوعی مورد بحث بوده است. بهترین راهنمای ما برای حرکت در آینده جزوه تحقیقات بنیادینی است که تدوین آن در سال ۱۹۹۳ به پایان رسیده و معیارهای استفاده شده در آخرین بررسی دفاعی چهار ساله (Quadrennial Defense Review) را ارائه می‌دهد. طبق توصیه و پیشنهادات جزوه تحقیقات بنیادین، سازمان یگان بر پایه قدرت جنگیدن همزمان در دو صحنه بزرگ عملیاتی (Major theaters of war = MTW) قرار می‌گیرد که این دو عملیات تقریباً در یک زمان، رخ می‌دهند (قبلاً تحت عنوان درگیری‌های بزرگ منطقه‌ای شناخته می‌شد). یعنی اگر بتوانیم دو صحنه بزرگ جنگ را همزمان اداره نمائیم، نیروهای کافی جهت کنترل حوادث کوچک و عملیاتی‌های غیر جنگی متعدد (Multiple Operations Other Than War = OOTW) را خواهیم داشت.

قابلی که تحقیقات بنیادین جهت طراحی سازمان برنامه‌ریزی شده یگان خود مورد استفاده قرار داد، جنگ خلیج فارس در مقابل عراق در سال ۱۹۹۱ بود. اساساً سازمان یگان منتج از تحقیقات بنیادین بین ۲۵٪ تا ۴۰٪ (بسته به نوع انتخاب تحلیل فرد) پائین‌تر از سطوح جنگ سرد قرار دارد. اشاره بدین نکته کافی است که ماهیت سازمان یگان در آینده غالباً بصورت متداول (Conventional) و اندازه آن حتی کوچکتر از یگانهای امروزی خواهد بود.

افزایش در گیریه‌های کوچک و مأموریت‌های انساندوستانه! بمعنای آن است که یگانهای کوچکتر باید با حداقل امکانات و منابع کارایی بیشتری را داشته باشند. پیچیده‌تر شدن تصویر آینده سازمان یگان، بدلیل نگرانی‌های روز افزون افرادی است که اذعان می‌دارند سرمایه‌های کافی برای تهیه و سرمایه‌گذاری مجدد بر روی تجهیزات تأمین نمی‌گردد.

احتمال زیادی می‌رود که روند کاهش موجودیها و ذخیره‌های جنگ، اتکاء بر سیستمهای حمل و نقل تحویل

کالا را جهت تقویت یگان افزایش دهد.

۲-۱- نکته دوم: روشهای احتمالی بکاربردن یگانها

در آینده، ایالات متحده احتمالاً از سه روش برای بکارگیری یگانها بطور همزمان استفاده خواهد کرد. اولین و بهترین روش، برای استفاده از طرحریزی توان مشترک نیروها می‌باشد. این به معنای قابلیت است جهت الحاق نیروها در هر جایی از دنیا با استفاده از نیروهائی که قبلاً در یگانهای زمینی، دریایی و هوائی استقرار یافته‌اند. طرحریزی نیرو به معنای این است که لجستیک قابلیت عظیمی را در حمل و نقل هوائی و دریائی برای وارد کردن یگانها در همان ابتدای کار خواهد داشت؛ همچنین بمعنای پشتیبانی کشور از اقلام و موجودی‌های مستقر در پایگاههای زمینی و تأمین پشتیبانی بنادر در خصوص اقلام و موجودهائی که در پایگاههای دریائی استقرار یافته‌اند نیز می‌باشد.

ایالات متحده، علاوه بر طرحریزی نیرو، یگانهایش را بعنوان بخشی از ائتلافهای بین‌المللی بکار خواهد گرفت. ایجاد یک ائتلاف، بسته به موقعیت، ممکن است جهت تأمین پشتیبانی لجستیک بطور کامل یا جزئی، به متحدین ما مسئولیتهای اضافی را تحمیل کند. ایالات متحده همزمان با طرحریزی نیرو و جنگ ائتلافی، احتمالاً بخشی از یگانها را بصورت نیروهای پیشقراول (طلایه‌دار) بکار خواهد گرفت. نیروهای طلایه‌دار یا پیشقراول بمعنای استقرار یگانهای جنگی در کشورهای بیگانه‌ای است که احتمال درگیری در آنجا وجود دارد که در این مورد می‌توان به استقرار لشکر آپیاده در جمهوری کره اشاره نمود. با اینحال این احتمال وجود دارد که نیروهای پیشقراول (طلایه‌داران) ایالات متحده در ۱۵ سال آینده شدیداً کاهش یابند.

۱-۳- نکته سوم: پیشرفتهای احتمالی در تکنولوژی

همواره یکی از سیاستهای کلیدی ایالات متحده بر حفظ برتری تکنولوژی بر رقبای دشمنان قرار داشته است. پیشرفتهای فنی و تکنولوژی در هفت زمینه‌ای که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد، بر لجستیک تأثیر خواهد گذارد:

توسعه فرآیند جمع‌آوری اطلاعات از طریق استفاده از سنسورها و ماهواره‌های شناسایی بسیار پیشرفته.

در آینده نسل جدید و پیشرفته‌ای از مهمات هدایت شونده دقیق، مانند موشک ضد زره نیزه‌ای ساخته خواهد شد.

دفاع پیشرفته موشکی جهت حمایت از فرودگاهها و خطوط ارتباطی در مقابل حملات احتمالی موشکهای اسکاد و کرم‌بریشم (Silkworm) در آینده.

در آینده شاهد ارتباطات تاکتیکی پیشرفته از طریق توسعه مداوم تکنولوژی ماهواره و فیبرنوری خواهیم بود. یگان XXI ارتش، به روشنی افزایش قابلیت‌های اطلاعاتی و ارتباطات را نشان می‌دهد.

پیشرفتهای مداوم در قابلیت‌های تهاجمات عمقی، با توسعه قابلیت‌های حمله زمین به زمین پیش بینی می‌گردد، مثل بهبود در سیستم موشکی ارتش حمل و نقل هوائی پیشرفته صحنه عملیات با ارائه چرخبال مدل *MV - 22 Osprey* در دسترس خواهد بود. توانائی دیرینه ایالات متحده در استفاده از جنگنده‌های تاکتیکی با تشریک مساعی بیشتر در لجستیک ادامه خواهد یافت.

ارتش یگانهای جنگی را به قیمت یگانهای پشتیبانی لجستیک حفظ خواهد کرد. در نتیجه ممکن است اتکاء به پیمانکاران غیرنظامی جهت تأمین لجستیک در خلال زمانهای بحران، افزایش یابد.

۲- تأمین پشتیبانی لجستیک

برای تعریف پشتیبانی لجستیک در آینده، از ۴ عنصری که در نشریه ستاد مشترک به شماره ۰-۴ تحت عنوان "دکترین پشتیبانی لجستیک برای عملیات مشترک" تدوین شده است، استفاده می‌نمائیم. این چهار عنصر عبارتند از: تأمین، توزیع، پشتیبانی و استقرار یگانها در منطقه

۲-۱- تأمین

فرآیند تأمین باید در شکل فعلی خویش تداوم یابد. با اینحال، سه جریان بر نتایج آن فرآیند تأثیر می‌گذارند. اول اینکه، احتمال دارد که توسعه تکنولوژی نظامی و غیرنظامی ادامه یابد مثل مورد چرخبال مدل *MV Osprey*. دوم، احتمال تأمین اقلام و کالاهای استاندارد ادامه خواهد یافت و بالاخره، احتمال زیادی می‌رود که روند کاهش موجودیها و ذخیره‌های جنگ، اتکاء بر سیستمهای حمل و نقل تحویل کالا را جهت تقویت یگان افزایش دهد. روند کاهش موجودیها بر بحث نگهداری تأثیر خواهد گذارد، اما احتمالاً تأثیر زیادی بر روی تجهیزات مستقر در کشورهای بیگانه نخواهد داشت.

۲-۲- توزیع

به محض کاهش ذخیره‌های جنگی، توزیع اهمیت فزاینده‌ای خواهد یافت. فرآیند توزیع، همانند فرآیند تأمین، دارای سه روند است که آینده آن را مشخص می‌نماید. پیشتر و مهمتر از همه، ما شاهد بکارگیری فزاینده‌ای از غیر نظامیان در فرآیند توزیع خواهیم بود. این روند با اتکاء بیشتر بر حمل و نقل هوائی غیر نظامی جهت جابجائی و تحویل عمده کالا (به استثنای تجهیزات بسیار بزرگ و

محموله‌های تدارکاتی) بدست خواهد آمد. ایضاً در عملیات نظامی طولانی، تلفات کمتر و پشتیبانی وسیعتر پیمانکاران غیرنظامی قابل حصول خواهد بود مثل عملیات غیر جنگی (OOTW). استفاده از سرویسهای معروف به Root و Brown در سوماتی مثالهایی از این نوع می‌باشند. روند غیر نظامی کردن، محدود به پیمانکاران نمی‌گردد بلکه به معنای انتقال بعضی از مسئولیتهای لجستیک محلی به سازمانهای غیر دولتی نیز هست یعنی چیزی که در سوماتی نیز شاهد آن بودیم.

در دومین نوع روند، این احتمال وجود دارد که ایالات متحده نسبت به تدارک پشتیبانی و توزیع لجستیک برای متحدین خویش، احساس تعهد بنماید. این پشتیبانی از طریق دو عامل صورت می‌گیرد. با فروپاشی اتحاد شوروی، آمریکا بعنوان بزرگترین تاجر اسلحه در دنیا مطرح است. همچنین متحدین ما مشخصات انواع تسلیحاتی را که حمل و استفاده می‌کنند در اختیار ما قرار می‌دهند و احتمالاً ما را از سیاستهای حفظ حداقل سطح موجودی کالا نیز آگاه می‌سازند. همچنین این کشورها حداقل موجودیهای را برای خود حفظ خواهند کرد و جهت تأمین بموقع کالاهای مهم و اساسی به آمریکا اتکاء خواهند داشت. همینکه ایالات متحده به مشارکت در عملیاتیهای غیر جنگی (OOTW) ادامه می‌دهد، ما با بکارگیری هم پیمانان در خارج از صحنه عملیات مسئولیت سنگین خود را تسهیم می‌نمائیم.

با چنین تعهدی که مسئولیتی موازی را به همراه دارد، پشتیبانی توزیع لجستیک و بویژه زمانیکه کشور هم پیمان، قابلیت طرح‌ریزی و ساماندهی نیرو را ندارد، فراهم می‌گردد.

سومین روند مؤثر بر توزیع، اتکاء روز افزون ایالات متحده بر پشتیبانی کشور میزبان نسبت به توزیع محلی و پشتیبانی لجستیکی خواهد بود. همچنانکه متحدین ما در بعضی از حمل و نقلهای هوایی و دریایی و برای نگهداری مهمات و تجهیزات با استفاده از تکنولوژی بالا به ما اتکاء دارند، در نتیجه ما در انتقال و جابجائی کالاهای مصرفی بسوی صحنه عملیات، خواهان حمل و نقل محدود و گران نخواهیم بود. ما ترجیحاً و تا حد ممکن خواهان انجام امور تدارکات اقلام مصرفی به شکل محلی آن می‌باشیم. تأمین نفت، بنزین و روغن برای یگانهای ایالات متحده در طول جنگ خلیج فارس اولین نمونه بارز از این موضوع می‌باشد.

ایالات متحده، همزمان با طرح‌ریزی نیرو و جنگ ائتلافی، احتمالاً بخشی از یگانها را بصورت نیروهای پیشقراول یا آماده، بکار خواهد گرفت. نیروهای آماده یا پیشقراول بمعنای استقرار یگانهای جنگی در کشورهای بیگانه‌ای هستند که احتمال درگیری در آنها وجود دارد.

۲-۳- پشتیبانی

روندهای مؤثر در توزیع، بر کیفیت پشتیبانی نیز مؤثر خواهد بود. افزایش استفاده از غیر نظامیان، افزایش پشتیبانی نگهداری برای متحدین، ائتلاف و افزایش اتکاء به پشتیبانی کشور میزبان در خصوص کالاهای عمده مصرفی احتمالاً ویژگیهای برجسته پشتیبانی در آینده خواهند بود بویژه اینکه ممکن است در صورت عدم تأمین بودجه کافی برای سازمان یگان در دو صحنه جنگی بزرگ و همزمان، استفاده از افراد غیرنظامی پیشنهاد گردد. احتمال دارد زمانیکه ارتش جهت حفظ سازمان یگان با کمبود بودجه روبرو شد، بودجه‌های بالاتری را پیشنهاد نماید. این به آن معناست که

ارتش یگانهای جنگی را به قیمت یگانهای پشتیبانی لجستیک حفظ خواهد کرد. در نتیجه ممکن است اتکاء به پیمانکاران غیرنظامی جهت تأمین لجستیک در خلال زمانهای بحران، افزایش یابد.

۲-۴- استقرار یگانهای آمادی در منطقه

در مقایسه با بحث نگهداری، استقرار یگانهای آمادی در منطقه نسبت به گذشته آسانتر شده است اما علیرغم کاهش حجم ارتش و بزعم نفرت کمتر و با کاهش بودجه برای سرمایه گذاری مجدد، تجهیزاتی که در صحنه عملیات آسیب دیده‌اند و قابل ترمیم هستند را باید بازسازی و مجدداً وارد گردونه مصرف نمود.

روند افزایش پشتیبانی لجستیکی برای متحدین ما نیز اهمیت استقرار یگانها را افزایش می‌دهد. احتمال دارد که ایالات متحده، در بسیاری از عملیات کنترل تجهیزات را به متحدینی که جهت حفظ موازنه نیرو در منطقه باقی خواهند ماند، بسپارد. این موضوع بویژه در عملیات درازمدت (مانند OOTW) نیز صدق می‌کند. انتقال ماشینهای تصفیه آب در کشور رواندا نمونه‌ای از این روند می‌باشد.

آمریکا ترجیحاً و تا حد ممکن خواهان تأمین تدارکات مصرفی به شکل محلی آن می‌باشد.

تأمین نفت، بنزین و روغن برای یگانهای ایالات متحده در طول جنگ خلیج فارس، اولین نمونه بارز از این موضوع می‌باشد.

۳- آسیب پذیریه‌های لجستیک در آینده

این موارد چگونه موجب آسیب پذیریه‌های احتمالی لجستیک می‌شوند؟

همانگونه که اذعان گردید، در یک یگان کوچکتر، آسیب پذیریه‌های جدیدی به وجود نمی‌آیند بلکه در عوض میزان آسیب پذیریه‌های موجود، با کاهش قابلیت‌ها افزایش می‌یابند. اصولاً آسیب پذیریه‌های لجستیک به دو مرکز ثقل محدود می‌شود که ایالات متحده را در مقابل روزه‌های آتی آسیب‌پذیری، حفظ می‌نماید.

اولین مرکز ثقل لجستیک، پردازش اطلاعات می‌باشد. با ورود به قرن ۲۱، اساس سیستم‌های لجستیک ما بر پردازش کارآمد و سریع مقادیر وسیعی از داده‌ها قرار گرفته و این امر متخصصین لجستیک را قادر می‌سازد تا عملکردهای مورد نظر از نقطه نظر استقرار آمد، نگهداری، توزیع و تأمین را به انجام رسانند. روند کاهش موجودیها و اتکاء به تأمین مجدد و بموقع، اهمیت انتقال سریع و به هنگام اطلاعات دقیق را متجلی می‌سازد. بنابراین وجود هرگونه اختلال و بی‌نظمی در حلقه‌های پردازش اطلاعات به هنگام حمله آشکار یا جنگ اطلاعاتی غیر مستقیم (مخوال) می‌تواند فاجعه‌آمیز باشد.

خطراتی که لجستیک آمریکا را در آینده تهدید می‌کند با افزایش طول زمان عملیات، افزایش خواهند یافت.

افزایش روند غیرنظامی کردن لجستیک، راه حمله را برای دشمن آینده فراهم خواهد نمود. سازمانهای غیرنظامی، بویژه پیمانکارانی که در وضعیتهای اضطراری بکار گرفته می‌شوند، دارای انگیزه اقتصادی جهت ارائه پوشش امنیتی به کارمندان خویش نیستند. پوشش ناکافی می‌تواند این زمینه را برای دشمن فراهم سازد تا دشمن در پرسنل نفوذ نموده و سیستم پردازش اطلاعات را مختل نماید. حتی دشمنی که دارای قابلیت‌های ساده وسنتی در منطقه نبرد می‌باشد، قادر است عملیات پیچیده‌ای را جهت تخریب پردازش اطلاعات انجام دهد. مقابله با عملیات غیرنظامی و لجستیکی نسبت به خرابکاری و نفوذ، منطقی‌تر بنظر می‌رسد. سازمانهای غیرنظامی به سیستم‌های ارتباطات غیرنظامی متکی هستند. این گروه‌های ارتباطی بیشتر در معرض حمله تروریست‌ها قرار دارند زیرا آنها نه تنها دارای نیروی محافظ نیستند بلکه بصورت متمرکز نیز می‌باشند. علاوه بر این، در صحنه‌های اصلی نبرد (MTW)، دشمنی که دارای قابلیت‌های هسته‌ای بوده و خواهان حمله اتمی می‌باشد (بدون کشتن پرسنل آمریکایی) می‌تواند یک سلاح هسته‌ای هوایی را جهت ایجاد پالس الکترو مغناطیس منفجر نماید.

سیستم‌های ارتباطی غیرنظامی بدون محافظت در مقابل پالس‌های الکترومغناطیس از کار خواهند افتاد. بدین طریق دشمن می‌تواند پردازش اطلاعات لجستیک را تخریب نموده یا این مرکز ثقل را بی‌اثر سازد. با توجه به بار مسئولیت نسبت به متحدین، تسهیم حجم وسیعی از کالاهای مصرفی و تأسیسات زیربنایی از قبیل فرودگاهها و بنادر و همچنین پشتیبانی کشور میزبان، اهداف عالی جنگ را به دشمن القاء می‌کند. ایالات متحده جهت حمایت از نیروهای مؤتلف به کالاهای مصرفی اتکاء خواهد داشت. بعلاوه فرودگاهها و بندرگاهها نه تنها برای مداومت پشتیبانی بلکه برای تجدید قوای جنگی از اهمیت زیادی برخوردار هستند.

اهداف دشمن جهت حمله به پشتیبانی کشور میزبان متفاوت است. نفوذ جاسوسان به تأسیسات زیربنایی و پشتیبانی کشور میزبان می‌تواند فرصتهایی را برای انجام خرابکاری عمومی در مواد سوختی، فرآورده‌های آب و دیگر کالاهای مصرفی ایجاد نماید. ایالات متحده در واکنش به این خرابکاری ممکن است حجم کالاهای مصرفی را کاهش دهد که می‌تواند مشکلات موجود در فرودگاهها را بیشتر نماید.

تأسیسات زیربنایی، بندرگاهها و فرودگاهها دستخوش حملات مستقیم می‌گردند که شامل مین‌گذاری در بندرگاهها، حملات نیروهای ویژه به تجهیزات تبدیل مواد خام حیاتی، حملات شیمیایی به محلهای مسدود در فرودگاهها یا حمله غیر مستقیم از طریق تروریزم می‌باشد که می‌تواند با ایجاد آوارگان و پناهندگان، موانع را افزایش دهد. بدیهی است که هدف دشمن، فلج کردن پشتیبانی کشور میزبان و کاهش اعتماد آمریکا به منابع آن کشور خواهد بود.

پیچیده‌تر شدن تصویر آینده سازمان یگان، بدلیل نگرانی‌هایی روز افزون افرادی است که اذعان می‌دارند،

سرمایه‌های کافی برای تهیه و سرمایه‌گذاری مجدد برای بازسازی تجهیزات تأمین نمی‌گردد.

هر دو مرکز ثقل لجستیک، یعنی پردازش اطلاعات و پشتیبانی کشور میزبان، روزه‌های آسیب‌پذیری را که دشمن می‌تواند از آن حداکثر استفاده را بنماید، محدود ساخته‌اند. یکی از این روزه‌ها در عملیات طوفان صحرا و در تقویت قوا در صحنه عملیات رخ داد. در طول اولین روزه‌های تقویت قوا، فرصتهای دشمن محدود است. اما همینکه روز تبدیل به ماه شده و زمان طولانی گردد،

فرصتهای بیشتری برای نفوذ جاسوسان در لجستیک غیرنظامی و سازمانهای پشتیبانی کشور میزبان فراهم خواهد شد. علاوه بر آن، اطلاعات مربوط به هدفگذاری به منظور حملات یگانهای ویژه با گذشت زمان دقیقتر و واضحتر خواهند شد.

دیگر روزنه آسیب پذیری ناشی از عملیات غیر رزمی (OOTW) در طی مدت زمان طولانی پیش می‌آید که بهترین فرصتها را برای دشمن فراهم می‌آورد تا حداکثر استفاده از تخریب مراکز ثقل را بنماید. مدت طولانی بسیاری از عملیات غیر رزمی، روزنه‌های نفوذ و هدفگذاری را بعنوان سناریوی دراز مدت تقویت نیرو برای دشمن فراهم می‌آورد و در نتیجه نیروهای امنیتی بسیار کمی از ایالات متحده برای مقابله و ضد خرابکاری باقی خواهند ماند.

سومین روزنه آسیب‌پذیر در طول صحنه‌های بزرگ عملیات جنگ فرسایشی رخ می‌دهد (مثل جنگ ویتنام). همچون موارد پیشین، این ماهیت طولانی عملیات است که فرصتهایی را برای دشمن فراهم می‌آورد تا حمله نماید. نتیجه کلیدی بدست آمده آن است که خطراتی که لجستیک آمریکا را در آینده تهدید می‌کنند، با افزایش طول زمان عملیات، افزایش خواهند یافت.

بنجامین فرانکلین: "فقط به خاطر یک سوزن... در جنگ شکست خوردیم."

۴- دو راه حل پیشنهادی

برای حفظ دو مرکز ثقل لجستیک ایالات متحده در آینده (یعنی پردازش اطلاعات و پشتیبانی کشور میزبان) دو راه حل پیشنهاد می‌گردد.

اولین پیشنهاد حساس نمودن فرماندهان به این واقعیت است که:

۱- اگر عملیاتی طولانی شود، جهت حمایت از زیربنای پشتیبانی لجستیکی کشور میزبان، افزایش شاخصهای امنیتی یگانها لازم خواهد شد.

۲- اینکه انگیزه‌های اقتصادی در قراردادهای آتی پشتیبانی لجستیکی جهت ترغیب حفظ امنیت کارمندان غیرنظامی منظور گردد.

البته این پیشنهادات صرفاً حمایت‌هایی جزئی را بیان می‌دارند. بهترین حمایت، اجراء اصول نظامی پیشین است مثل اصل غافلگیری و سرعت عمل که فرصت حمله دشمن به نقاط آسیب‌پذیر ما را از بین می‌برد. ما باید با درک آسیب پذیریه‌های لجستیک قرن ۲۱ از آنها اجتناب ورزیم "شکست در جنگ بعثت عدم آگاهی است" اگر به این هشدار توجه نماییم، سیستم لجستیک نظامی ایالات متحده همچون گذشته پشتیبان پیروزیها خواهد بود.

منبع و مأخذ

Col.P.J.Dulin, Logistics Vulnerabilities in Future , Army Logistician, January - February 1998. PP. 20 - 24